

خوانش قرآنی از سرمایه اجتماعی با تأکید بر سوره حجرات

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰

نرگس شکرپیگی *

سهراب مروتی **

یارمحمد قاسمی ***

چکیده

سرمایه اجتماعی از مهم‌ترین نظریات جامعه‌شناسی، مدیریت، علوم سیاسی و... در عصر کنونی است. این مفهوم با تسهیل روابط اجتماعی و کاهش هزینه‌های مبادلاتی کارآیی جامعه را بهبود می‌بخشد؛ از سوی دیگر وجوه گوناگونی مانند: اعتماد، هنجارها و شبکه را شامل می‌شود. پژوهش حاضر درصدد است تا با رویکرد تحلیلی - توصیفی و با استفاده از روش، اسنادی و کتابخانه‌ای به تبیین و معرفی مهم‌ترین مؤلفه‌های ساختاری، شناختی و رابطه‌ای سوره حجرات بپردازد. این سوره، در برگزیده آداب و اصول ارتباطی است که زمینه‌های ارتباط سالم را ترسیم می‌نماید. این مفاهیم، در برگزیده مهارت‌های ارتباطی و موانع مخرب آن است. مؤلفه‌هایی که در این سوره بدان پرداخته شده، در سطح ساختاری، شناختی و رابطه‌ای؛ تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی خواهد بود. مؤلفه‌هایی مانند: رعایت ادب و احترام، انجام تمام امور بر اساس معیارهای دینی، پیشی نگرفتن بر دستورات و تعالیم خدا و رسول اکرم (ﷺ) در حقیقت همان کنترل و نظارت دائمی افراد توسط خداوند متعال؛ انضباط اجتماعی، اخوت و برادری، وحدت و یکپارچه‌نگری، تحلیل و ریشه‌یابی صحت اخبار، موانع مختل‌کننده و سلبی مانند: سوطن، عیب‌جویی، غیبت، تمسخر، لقب گذاشتن بر دیگران

واژگان کلیدی: سوره حجرات، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی،

قرآن کریم.

مقدمه و بیان مسئله

شرط لازم برای پیشرفت جامعه و توسعه همه‌جانبه آن، ایجاد روابط صحیح، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل اجتماعی است؛ از این رو سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد و توسعه در هر جامعه‌ای مطرح است. اندیشمندان در تعریف این نوع سرمایه معتقدند که «سرمایه اجتماعی شامل وجوه گوناگون سازمان اجتماعی مانند: اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند با تسهیل روابط اجتماعی، کارایی جامعه را بهبود بخشد؛ سرمایه اجتماعی نیز مانند سایر سرمایه‌ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخص را فراهم می‌کند که بدون آن غیر قابل دسترسی خواهند بود» (پاتنام، ۱۳۸۰، ص ۲۸۵).

در حقیقت، «سرمایه اجتماعی مجموعه منابعی است که در ذات روابط خانوادگی و سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی یا اجتماعی افراد سودمند است» (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۵۸ و ۴۵۹). مفهوم سرمایه اجتماعی در تعریف کلمن، وسیله‌ای برای تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با یکدیگر است. از نظر وی سرمایه اجتماعی یک کالای عمومی و یک منبع تضمین‌کننده شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد و ارزش‌های مشترک است (فیلد، ۱۳۸۶، ص ۳۴).

از سوی دیگر سرمایه اجتماعی شامل شبکه‌های رسمی و غیررسمی است که ارتباطات و مبادلات را در هر جامعه سامان می‌دهد. این شبکه‌ها در نوع افقی و عمودی نمود می‌یابند؛ در شبکه‌های افقی شهروندانی عضویت دارند که از وضعیت و قدرت برابری برخوردارند. اما در شبکه‌های عمودی شهروندانی عضویت دارند که وضعیتی نابرابر نسبت به هم دارند. در این حالت کنشگران باهم ارتباطی ندارند. به این معنی که رابطه کنشگران منقطع است. از سوی دیگر شبکه‌های افقی تقویت همکاری درون گروهی را سبب می‌شوند (فیلد، ۱۳۸۴، ص ۲۸).

همچنین فوکویاما معتقد است، سرمایه اجتماعی را می‌توان به‌عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضاء ملزم به رعایت آن هستند. هنجارهایی که سبب تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهد و ارتباطات دو جانبه باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۶۸).

بنابراین بر اساس دیدگاه کلمن، پاتنام و فوکویاما ... سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌هاست. هرچه سرمایه اجتماعی در گروه بیشتر، هزینه همکاری و تعامل، کمتر و در نتیجه عملکرد؛ دستیابی به اهداف آسان‌تر می‌گردد.

پژوهش حاضر در صدد است تا به بررسی و تبیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با رویکردی بر مضامین اخلاقی، اجتماعی سوره حجرات بپردازد، چرا که مهم‌ترین مفاهیم اخلاقی و ارتباطات گسترده اجتماعی، در سوره حجرات طرح گردیده است؛ به همین دلیل این سوره از سوی بسیاری از نویسندگان به سوره آداب مشهور شده است. این سوره مشتمل بر مسائلی از احکام دین است، احکامی که با آن سعادت زندگی فردی انسان تکمیل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۵۵). مفاهیم کلی سوره نشان‌دهنده ظرافت فوق‌العاده در طرح مسائل ارتباطی و اجتماعی است. اما سؤال اصلی پژوهش، این است که مهم‌ترین اصول و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در این سوره کدام است؟

پیشینه موضوع

مفهوم سرمایه اجتماعی در پژوهش‌های اولیه‌اش توسط جاکوبز، بوردیو، لوری طرح شد؛ اما با گذشت زمان در آثار نویسندگانی مانند ولکاک، ناریان، بارت، بوردیو، کلمن، پاتنام، فوکویاما و... گسترش یافت. در زمینه سرمایه اجتماعی کتاب‌های مختلفی مانند؛ «سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه» کیان تاجبخش؛ «سرمایه اجتماعی» جان فیلد؛ «سرمایه اجتماعی: مفهوم‌سازی، سنجش دلالت‌های سیاست‌گذاری» محمود شارع پور؛ «قدرت نرم و سرمایه اجتماعی» اصغر افتخاری و همکاران و... به چاپ رسیده است. اما در خصوص اثر سرمایه اجتماعی و ابعاد گوناگون این موضوع در سطح ملی و منطقه‌ای مطالعات بسیار زیادی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است که به دلیل تعدد و تنوع این مطالعات در این بخش تنها به برخی از مطالعات انجام شده داخلی اشاره می‌شود. فیروزآبادی، (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان فراتحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی اشاره می‌نماید که از میان عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی، تعهد دینی همبستگی مستقیم و معنا داری با سرمایه اجتماعی دارد.

حسینیان (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «سرمایه اجتماعی در

کلام امام علی (علیه السلام)» به بررسی سخنان امام علی (علیه السلام) با رویکرد کلی مراجعه به کتاب نهج البلاغه و سایر منابع در برگیرنده فرمایش‌های امام بزرگوار مانند؛ غررالحکم و دررالکلم در موضوع‌های: مفهوم سرمایه اجتماعی، ابعاد، عناصر و راه‌های افزایش این نوع سرمایه در سطح فرد و جامعه، موانع شکل‌گیری آن و عوامل تضعیف‌کننده این نوع سرمایه پرداخته است.

همچنین فقیه (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی با عنوان «سرمایه اجتماعی در اندیشه و عمل امام خمینی (علیه السلام)» ضمن پرداختن به مبانی فکری و نظری اندیشه امام خمینی، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی، در اندیشه و عمل ایشان به بیان عناصر و ویژگی‌های سرمایه‌ساز رهبری امام خمینی نیز اشاره نموده است.

فصیحی (۱۳۸۶) در مقاله خود با عنوان دین و سرمایه اجتماعی، در صدد است که ارتباط میان دین به مثابه متغیر مستقل و سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. نگارنده برای دستیابی به این هدف، پس از بحث و بررسی مفهوم «سرمایه اجتماعی» به‌عنوان یک مفهوم ترکیبی از منظر جامعه‌شناسان کلاسیک و صاحب‌نظران آن پرداخته شده، سپس به عناصر کیفی سرمایه اجتماعی مانند «اعتماد» و «آگاهی اجتماعی» و عناصر کمی آن مانند «میزان مشارکت» و «ارتباطات» اشاره گردیده است.

از سوی دیگر، برامکی یزدی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان جایگاه سرمایه اجتماعی در اقتصاد اسلامی و تأثیرات آن بر توسعه دست‌آورد مقاله خود را این‌گونه بیان نموده است که: دین اسلام به‌عنوان یک دین جامع باید به تمامی جوانب زندگی انسان توجه داشته و برای تمامی شئون آن برنامه داشته باشد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی بشری معیشت است. دانشمندان مسلمان، از دستورات و مکتب اقتصادی اسلام با عنوان اقتصاد اسلامی نام می‌برند.

در سال‌های اخیر، با جدی‌تر شدن توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی، مباحثی در این زمینه مطرح شده و آثار قابل توجهی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه، در رشته‌های مختلف تألیف شده است. در واقع اگر چه در موضوعات سرمایه

اجتماعی، کارهای متعددی به صورت مجزا و با عناوین مختلف صورت گرفته، اما در هیچ یک از آن‌ها خوانش قرآنی از سرمایه اجتماعی در یک سوره یا بخشی از قرآن به صورت اختصاصی مانند سوره حجرات، مورد تحلیل قرار نگرفته است. اغلب پژوهش‌های انجام شده در رابطه با سرمایه اجتماعی از نوع تحقیقات کمی و پیمایشی بوده است که در صدد تعیین میزان اثرگذاری عوامل زمینه‌ای مانند جنس، سن، رشته تحصیلی و ... بر سرمایه اجتماعی می‌باشند.

چارچوب مفهومی

سرمایه اجتماعی به شبکه‌هایی از ارتباطات گفته می‌شود که دسترسی به منابع و امکانات درون شبکه‌ای را ممکن می‌سازد؛ به عبارت دیگر این سرمایه در ارتباط بین افراد شناسایی می‌شود (حاجی کرمی، ۱۳۸۷، ص ۵۵).

به اعتقاد کاواچی، سرمایه اجتماعی به منابع قابل دسترس در درون ساختارهای اجتماعی از قبیل اعتماد، هنجارهای متقابل، اهداف مشترک که افراد را برای انجام کنش‌های جمعی آماده می‌کند، اشاره دارد. از نظر وی سرمایه اجتماعی محصول فرعی روابط اجتماعی است که در سازمان‌های رسمی و غیررسمی نمود پیدا می‌کند (قدسی، ۱۳۹۲، ص ۵۶).

براساس نظریات اندیشمندان و جامعه‌شناسان در حیطه سرمایه اجتماعی، مؤلفه‌های متفاوتی در شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی دخیل هستند که از نظر ماهیت با یکدیگر متمایز هستند. ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) ابعاد گوناگون، سرمایه اجتماعی را در سه حیطه اساسی؛ ساختاری، رابطه‌ای و شناختی دانسته است (ناهاپیت و گوشال، ۱۹۹۸، ص ۳۲).

مؤلفه‌های ساختاری، مربوط به بستر و جایگاه بروز و ظهور سرمایه اجتماعی است. در هر جامعه‌ای باید ساختارها وجود داشته باشند تا سرمایه اجتماعی در آن جامعه تولید و انباشته گردد. بدون وجود این ساختارها، مؤلفه‌های دیگر سرمایه اجتماعی نمی‌توانند به ایجاد و تقویت این سرمایه کمک چندانی نمایند و به صورت غیر فعال و نهفته باقی می‌مانند. مهم‌ترین اجزا این بُعد از سرمایه اجتماعی، توجه به

پیکربندی پیوندها، شبکه‌های اجتماعی و متناسب‌سازی شبکه‌های ارتباطی با نیازهاست (الوانی، ۱۳۸۶، ص ۳۶). مقصود از پیکربندی پیوندهای شبکه‌های اجتماعی؛ روابط رسمی و غیررسمی، پیوندهای بین افراد، الگوهای ارتباطات میان خانواده‌ها، همسایگان... است که سبب وسعت بخشیدن به روابط می‌گردد. همچنین نهادهای محلی، سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم که قادر به پیگیری اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از مهم‌ترین عناصر و اجزاء مؤلفه ساختاری، سرمایه اجتماعی می‌باشد (حمیدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳، صص ۲۰۳-۲۲۳).

سرمایه اجتماعی ایجاد شده، از جمله روابط و پیوندها، هنجارها و اعتماد در یک محیط خاص، اغلب می‌تواند از یک محیط اجتماعی به محیط اجتماعی دیگری انتقال داده شود، و بدین ترتیب بر الگوهای تبادل اجتماعی تأثیر گذارد. سازمان‌های اجتماعی مناسب می‌توانند یک شبکه بالقوه دسترسی به افراد و منابع‌شان از جمله اطلاعات و دانش را فراهم کنند و از طریق ابعاد شناختی و رابطه‌ای سرمایه اجتماعی، انگیزش و قابلیت را برای برقراری ارتباطات تضمین؛ و تعامل بین سازمانی و درون‌شبکه‌ای را تسهیل می‌نمایند (فیض، داود / بنددار، امیررضا، طراحی و ارائه مدل مفهومی توسعه یادگیری سازمانی با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی) جنبه ساختاری باعث ایجاد و تقویت شبکه‌های اجتماعی می‌گردد که در نهایت در روابط افقی و روابط عمودی گروه‌های اجتماعی نمود می‌یابد.

بُعد شناختی سرمایه اجتماعی، ناظر به درک متقابل افراد از یکدیگر است و امکان تعامل آن‌ها را بیشتر می‌نماید. در حقیقت بُعد شناختی به آن دسته از موضوعاتی می‌پردازد که در پیام‌های مشترک، میان اعضاء گروه در جریان است. با این روش، درک متقابل میان افراد از راه زبان مشترک و مبادله سرگذشت‌های مشترک محقق می‌شود. زبان و سرگذشت‌های مشترک موجب افزایش سطح درک میان اعضاء سازمان می‌شود و توانایی افراد را برای پیش‌بینی اقدامات سایر افراد افزایش می‌دهد.

بُعد رابطه‌ای، موجب ایجاد و گسترش ارتباط میان افراد می‌شود. هر چه افراد ارتباط سالمی با یکدیگر داشته باشند و مؤلفه‌های ارتباطی را تقویت نمایند؛ شبکه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد. این مؤلفه‌ها در حقیقت بیان‌کننده نوع ارتباط افراد در طول

تعامل‌ها هستند. مهم‌ترین اجزاء و عناصر این بعد عبارتند از: اعتماد، هنجارها، انتظارات، تکالیف و هویت (الوانی، ۱۳۸۶، ص ۳۶). در واقع این بعد به ارتباط مؤثر بین همکارانی که یکدیگر را دوست دارند، به یکدیگر اعتماد دارند، و با هم هویت می‌یابند توجه دارد.

در حقیقت، هویت فرآیندی است که در آن افراد احساس می‌کنند با فرد یا گروهی از افراد دیگر، عضو یک گروه واحد هستند. اعتماد متقابل نقش بسیار اساسی در تسهیل فرآیندها، افزایش منافع و کاهش هزینه‌های مربوط به این‌گونه تبادلات انسانی و تسهیم دانش خواهد داشت. هراندازه اعتماد اجتماعی بیشتر شود؛ میزان سرمایه اجتماعی در گروه بیشتر و در نتیجه امکان خلق و تسهیم دانش نیز بیشتر خواهد بود. در جایی که روابط مبتنی بر اعتماد در سطح بالایی وجود دارد افراد تمایل زیادی برای تبادل اجتماعی و تعامل همکارانه دارند.

در واقع، ارتباط، تاروپود جامعه را به هم پیوند می‌دهد و موجب یکپارچگی و وحدت اجتماعی می‌گردد؛ که یکی از عوامل مؤثر بر حفظ موجودیت جامعه و استحکام روابط اجتماعی دین‌داری است. به عقیده دورکیم دانشمند جامعه‌شناس فرانسوی، دین عامل همبستگی و ثبات اجتماعی و پایداری جامعه و مظهر قدرت جامعه است و همچنین نقش مثبتی در حل و فصل مشکلات اجتماعی، در ایجاد یگانگی دارد. به‌علاوه دین موجب ثبات، استمرار و پایداری جامعه می‌شود. وی برای دین چند عملکرد مهم قائل است که عبارتند از: وحدت بخشیدن، احیا و تقویت قوا اجتماعی، کسب آرامش و تسکین؛ چنانکه انسان‌ها در برابر ناملایمتی‌های اجتماعی با وجود روحیه دینداری می‌توانند بدان دست یابند. وی معتقد است، همبستگی اجتماعی مشروط به ارزش‌های اخلاقی و عام است، این ارزش‌ها با منافع گروهی و فردی پیوند عمیقی دارد. وی در نظریه فرهنگی خود نظم اجتماعی را نمادین دانسته که در سایه ارزش‌های ضروری برای وحدت اجتماعی به‌کار گرفته شده است (دورکیم، ۱۳۸۱، ص ۲۳۱). از نظر دورکیم، هر نوع قطع ارتباط میان فرد و جامعه (دین و ارزش‌های اجتماعی) به دلیل تحولات فرهنگی و تغییر ارزش‌ها، به‌گونه‌ای که آن‌ها در چارچوب اجتماعی موجود جذب و ادغام نشوند، زمینه آنومی را به وجود می‌آورد که برای رشد

انحرافات اجتماعی مساعد است (دورکیم، ۱۳۸۱، ص ۷۵).

جامعه به اعتقاد مذهبی مشترک نیاز دارد. دین اصیل، وحدت بخش جامعه است. اگر دین در جامعه وجود نداشته باشد اختلاف های فردی جامعه را از هم می پاشد. دین موجب می شود که انسان ها، خودخواهی و تمایلات نفسانی خود را کنار بگذارند و همین موجب بقای جامعه است. به نظر کنت دین سنگ بنای سامان اجتماعی است و حتی برای مشروع ساختن فرمان های حکومت اجتناب ناپذیر است (نعمتی، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

از سوی دیگر، جامعه، متشکل از اجزاء گوناگونی است که یکی از مهم ترین آن ها فرهنگ جامعه می باشد. خرده نظام فرهنگی از مفاهیم و نظریات مهم در مکتب کارکردگرایی ساختاری است که پارسونز به عنوان یکی از چهره های اصلی نظریه جامعه شناسی در قرن بیستم این نظریه را بیان کرده است. وی نظام کنش را متشکل از چهار جزء می داند که عبارت اند از: نظام فرهنگی، نظام اجتماعی، نظام روانی و نظام زیستی. بنابراین خرده نظام فرهنگی در نظریه سیستمی پارسونز به عنوان یکی از خرده نظام های موجود در جامعه محسوب می گردد که از یک جایگاه مشخص در پیوند با سایر خرده نظام ها برخوردار است (کرایب، ۱۳۸۱، ص ۹۲) نظام فرهنگی دارای ویژگی کنترل و هدایت جامعه است. وی فرهنگ را نیروی عمده ای می انگاشت که عناصر گوناگون نظام اجتماعی را به همدیگر پیوند می دهد (اسمیت، ۱۳۸۳، ص ۴۶) از منظر پارسونز نظام اجتماعی الگوی تعاملی برآمده از نقش ها، پایگاه ها، انتظارات و هنجارهای اجتماعی در عرصه های مختلفی نظیر خانواده، حزب، بازار، دانشگاه است (محمدی اصل، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶).

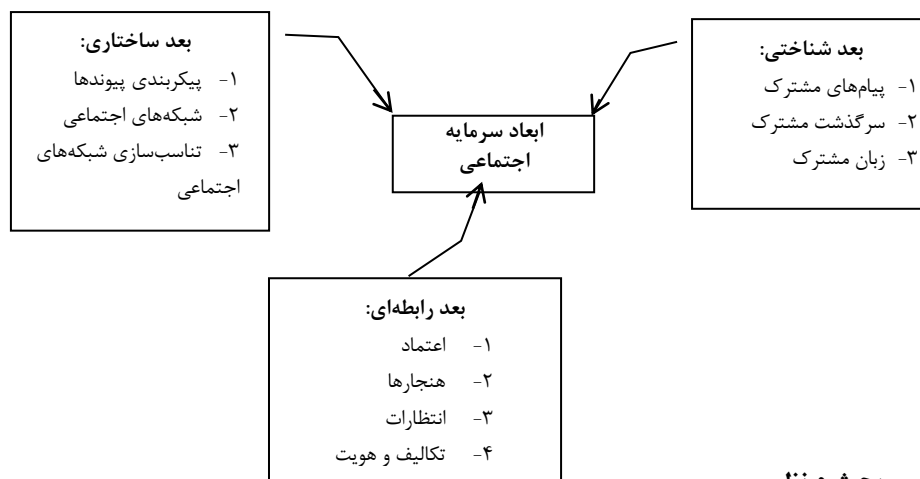
پارسونز بر نقش حیاتی فرهنگی در سیستم اجتماعی تأکید فراوانی دارد. عوامل فرهنگی، در حفظ نظم اجتماعی، انسجام و تعادل اجتماعی جلوه می نماید. ارزش های فرهنگی به صورت همزمان هم در خرده نظام های جامعه نهادینه می شود و هم افراد آن ها را که در قالب عقاید، هنجارها، قضاوت ها و ارزش ها متمایز می شوند، درونی می کنند (سوینچ وود، ۱۳۸۰، ص ۲۸۰).

بنابراین از آنجایی که در تمامی جوامع، دین و فرهنگ نقش بسزایی در تعالی و پویایی آن جامعه دارد؛ جامعه اسلامی نیز در مرکزیت خود، فرهنگی بر پایه و اساس

دین را همواره مد نظر داشته است. توجه همه‌جانبه به این موضوع خود می‌تواند در سبب بهبود پیکره‌بندی جامعه، رعایت هنجارها، حفظ روابط و شبکه‌های ارتباطی بین‌فردی و در نهایت تقویت سرمایه اجتماعی گردد.

در این مدل نه تنها شبکه ارتباطی بین افراد (بعد ساختاری)، بلکه شبکه‌ای از اندیشه افراد (شناختی) و همچنین

ارتباطات (رابطه‌ای) وجود دارد. این الگو سرمایه اجتماعی را از منظر درون‌سازی و برون‌سازی در نظر می‌گیرد؛ در حالی که در تعاریف اندیشمندان حوزه سرمایه اجتماعی به یکی از جنبه‌های داخلی یا بیرونی پرداخته‌اند (جعفری، ۱۳۹۴، ص ۱۷۵) با توجه به مباحث مطرح شده و تحقیقات انجام شده توسط نویسندگان این اثر، مدل مفهومی تأثیر سرمایه اجتماعی به صورت زیر ارائه می‌شود.



بحث و نظر

مؤلفه‌های ساختاری

مؤلفه‌های ساختاری سرمایه اجتماعی بستری را به وجود می‌آورد که سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در آن جریان می‌یابد. هر یک از این ارکان و ساختارها، دارای ویژگی‌هایی هستند که محیط مناسبی را برای رشد و تولید سرمایه اجتماعی اسلامی فراهم ساخت. بنابراین مؤلفه‌های ساختاری سرمایه اجتماعی اسلامی به نهادهای موجود در جامعه اسلامی می‌پردازد. در خصوص جامعه اسلامی و شبکه‌های ارتباطی در آن،

آیت‌الله شاه‌آبادی معتقدند جامعه اسلامی دارای دو پیوند اساسی است که عبارتند از:
الف) معارف و حقایق الهی - دینی که به منزلهٔ خدامحوری مورد توجه قرار گرفته است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳).

ب) ارتباطات اجتماعی بر پایهٔ دوستی و همراهی مؤمنان با یکدیگر که به منزله محور اخوت برادری مشهور گردیده است؛ چنانچه فرموده: «وَادْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران/۱۰۳). بنابراین مسلمانان باید به واسطهٔ این دو پیوند عمودی و افقی، جامعه اسلامی را به منزل مقصود هدایت نمایند (شاه‌آبادی، ۱۳۶۰، ص ۶-۷).

در این نظریه از دو پیوند و شبکه ارتباطی سخن گفته شده است که تار و پود جامعه اسلامی را به وجود می‌آورد. پیوند افقی یا همان اخوت و برادری بین مؤمنان و پیوند عمودی، خدامحوری است که ستون جامعه اسلامی محسوب می‌گردد و رهبر می‌تواند پیامبر یا امام باشد و به‌عنوان ستون اصلی جامعه اسلامی معرفی شده است.

۳-۱-۱ پیوندهای عمودی و اصل خدامحوری

سرمایه اجتماعی اسلامی، بر محوریت خداوند و جایگاه اولیاء الهی وابسته است و بدون وجود حضور معنوی و حقیقی ولی، نمی‌توان سرمایه اجتماعی اسلامی داشت، این ویژگی از امتیازات سرمایه اجتماعی در فرهنگ اسلامی است که آن را از تعارف غربی متمایز می‌سازد. در سوره مبارکه حجرات این اصل عمودی در چارچوب تذکرات ارتباطی و رفتاری نمود یافته و اصل رعایت ادب، احترام و انضباط اجتماعی در برابر نبی مکرم اسلام (ﷺ) و فرامین الهی جلوه نموده است.

آیات ابتدای سوره حجرات، به صورت جامع، دستورالعمل کاملی را برای جامعه اسلامی طرح‌ریزی نموده تا ادب، احترام و انضباط اسلامی در همه مسائل و روابط فردی و اجتماعی جریان یابد. رعایت ادب و احترام به‌ویژه، حفظ شأن بزرگان و رهبران معنوی جامعه؛ در تقویت سرمایه اجتماعی و مستحکم‌سازی پیوندهای اجتماعی نقش بسزایی دارد؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ

لِبَعْضِ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ * إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ * إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (حجرات ۱-۴) در بردارنده مهم ترین نکات اخلاقی و ضوابط برای رعایت احترام؛ از قبیل پیشی نگرفتن از خداوند و رسول (ﷺ)، بلند نکردن صدا و داشتن لحن مناسب در ارتباط و... است. لازم به ذکر است که مقصود از احترام، نگرشی است که در آن فرد برای دیگران ارزش قائل است و این ارزش گذاری تنها در حیطه گفتار نیست بلکه صورت تمام و کمال آن در رفتار نمود پیدا می کند. این چنین احترامی، زمینه ارتباط طرفین را بالا برده؛ مبادله اطلاعات و احساسات را تسهیل می نماید و فضای مشارکت را در بین طرفین ارتباط فراهم می سازد (حسینی، ۱۳۸۹، ص ۹۳). بنابراین رعایت ادب و احترام، سبب بهبود روابط اجتماعی شده و سرمایه اجتماعی بین فردی را تحکیم و تقویت می نماید.

آنچه در تفاسیر این آیات بیان شده، نشان می دهد که از سبک شمردن و رفتارهای که مبتنی بر بی احترامی نسبت به شخص نبی اکرم (ﷺ) است به شدت نهی شده و گناهی آشکار تلقی می شود. بنابراین در ارتباطات و گفتگوها باید شأن مخاطب رعایت گردد. در این ارتباط حتی لحن سخن گفتن و بلند صحبت کردن مورد توجه قرار گرفته است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۹۳؛ خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۴۸؛ مراغی، بی تا، ج ۲۶، ص ۱۲۱). مقصود از «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ» بالابردن غیر ضروری صدا و داشتن لحن غیر متعارف در محضر رسول اکرم (ﷺ) است و شامل ادب و احترام در محضر علما و بزرگان می شود (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۱۰۷).

این آیات نشان می دهد که قداست و جایگاه بزرگان مانند پیامبران، منحصر به زمان حیات آنان نیست و حتی در زمانی که در بین پیروان نباشند؛ شأن و قداست آنان محفوظ است. احترام به پیامبر (ﷺ) به عنوان رهبر تمام عیار جامعه اسلامی می تواند عامل، پیونددهنده در بین مسلمانان با اندیشه ها و فرق مختلف باشد و وحدت جامعه اسلامی را پر رنگ تر نماید.

در واقع آیه شریفه بیان می دارد که مؤمنان، برای رسیدن به رشد و تقوا، از جانب خداوند برای خالص شدن تحت آزمون های الهی خواهند گرفت (حجرات ۳) چرا که

بالاترین ثمره تقوا، همان رحمت الهی و مغفرت است «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید (حجرات/۱۰). و «... لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است (حجرات/۳). در حقیقت این وعده‌ای حتمی در برابر تقوایی است که مؤمنان به آن توصیف شده‌اند؛ «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است (طه/۱۳۲) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۶۲).

بنابراین جامعه اسلامی، برای حفظ موجودیت خود و تقویت سرمایه اجتماعی بین اعضاء خود باید حول محور واحد، ارتباطات و عملکرد خویش را تنظیم نمایند که دستور صریح قرآن کریم در سوره حجرات این مفهوم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ...» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر خدا و پیامبرش [در هیچ کاری] پیشی مجوید و از خدا پروا بدارید که خدا شنوای داناست (حجرات/۱) است. خداوند متعال و پیامبر اکرم (ﷺ) باید محور تمامی اعمال باشند و مؤمنان هیچ‌گاه در هیچ کاری نباید برایشان پیشی گرفته باشند. اعضاء جامعه اسلامی باید همواره اعمال خود را تحت نظارت و کنترل دائمی خداوند متعال بدانند چرا که خداوند «سَمِيعٌ عَلِيمٌ» است. پس تولید و تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی، امری شخصی و خصوصی نیست؛ بلکه تمامی افراد جامعه باید، تعاملات اجتماعی خود را تحت برنامه‌ای که قرآن کریم بیان نموده است؛ تنظیم نمایند.

در واقع، پیوندی که مؤمنان با خداوند و رسول اکرم (ﷺ) دارند به معنی نادیده گرفتن ادب و احترام، در روابط بین فردی نیست. همچنانکه حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه فرموده است: خداوند احترام مسلمانان را از تمام آنچه در پیش گاهش محترم است، بالاتر شمرده و حفظ حقوق مسلمانان را به وسیله اخلاص و توحید تضمین کرده است (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷). و در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكُعْبَةِ» حرمت مؤمن از کعبه بیشتر است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۶۰). یکی از شریف‌ترین مکان‌ها در جهان به‌ویژه در اندیشه اسلامی، کعبه است. این روایات صراحت بیان می‌دارد که در دین مبین اسلام جایگاه و احترام مؤمن، با ارزش‌تر از کعبه است. در واقع احترام به دیگران موجب نزدیکی قلب‌ها به یکدیگر و تثبیت و تقویت روابط و صمیمیت بین افراد می‌گردد.

در نظام مهارت ارتباطی در اسلام، چارچوب اعتقادی و ایمانی سرلوحه ارتباطات بین فردی قرار دارد. این برنامه ارتباطی در آیه شریفه «وَاعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَا كِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْأَيْمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست. اگر در بسیاری از کارها از [رای و میل] شما پیروی کند، قطعاً دچار زحمت می‌شوید، لیکن خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت. آنان [که چنین‌اند] ره‌یافتگانند (حجرات/۷)، به زیبایی طرح گردیده است. حوزه مفهومی ایمان، بیشتر به‌عنوان منشأ عمل و رفتار مورد سنجش قرار می‌گیرد و به صرف ادعای ایمان از سوی افراد کفایت نمی‌کند چنانکه خداوند متعال به‌صورت صریح در آیه شریفه «قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَأَمْنَا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَا كِن قَوْلُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلُ الْأَيْمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ* إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ* قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ* يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُم بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ* إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (برخی از) بادیه‌نشینان گفتند: «ایمان آوردیم». بگو: «ایمان نیاورده‌اید، لیکن بگوئید: اسلام آوردیم». و هنوز در دل‌های شما ایمان داخل نشده است. و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید از [ارزش] کرده‌هایتان چیزی کم نمی‌کند. خدا آمرزنده مهربان است.* در حقیقت، مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او گرویده و [دیگر] شک نیاورده و با مال و جان‌شان در راه خدا جهاد کرده‌اند اینانند که راست‌کردارند.* بگو: «آیا خدا را از دین [داری] خود خبر می‌دهید؟ و حال آنکه خدا آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است می‌داند، و خدا به همه چیز داناست.* از اینکه اسلام آورده‌اند بر تو منت می‌نهند بگو: «بر من از اسلام آوردنتان منت مگذارید، بلکه [این] خداست که با هدایت کردن شما به ایمان، بر شما منت می‌گذارد، اگر راستگو باشید.* خداست که نهفته آسمان‌ها و زمین را می‌داند و خدا [ست که] به آنچه می‌کنید بیناست». (حجرات/۱۴-۱۸) متعرض حال اعراب شده است

که ادعای ایمان می‌کردند، و بر پیامبر منت می‌نهادند که ما ایمان آورده‌ایم. اما خداوند، بیان می‌نماید ایمان امری قلبی است و دل‌های آنان هنوز مؤمن نشده و اسلام آوردن به تنهایی کفایت نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۹۱-۴۹۵).

بنابراین در الگوی اسلامی که قرآن کریم پیش روی جامعه اسلامی قرار داده است، پیوند عمودی که اعضاء جامعه آن را پذیرفته‌اند و به آن پایبند هستند، همان پیوند دائمی با خداوند متعال و پیروی از دستورات پیامبر اکرم (ﷺ) است. هر قدر این پیوند عمودی عمیق‌تر باشید؛ پایه‌های پیوندهای افقی در جامعه اسلامی نیز مستحکم‌تر خواهد شد. اخوت و برادری دینی که در حقیقت همان پیوند افقی و شبکه غیر رسمی از روابط بین افراد در جامعه اسلامی است، در سایه همین ایمان به خدا و رسول اکرم (ﷺ) شکل می‌گیرد. هر اندازه که این پیوندها در بین افراد تقویت شود؛ سطح سرمایه اجتماعی ارتقا می‌یابد.

۳-۱-۲. پیوندهای افقی و اصل اخوت، برادری

انسان‌ها موجودی کمال‌گرا هستند که حصول این کمال در گرو زندگی اجتماعی آنان می‌باشد؛ از سوی دیگر چون حقیقت زندگی اجتماعی انسان طالب کمال، وابسته به محبت و نزدیکی باطنی افراد است، افراد بیشتر به دوستی نیاز دارند. این محبت در میان افراد اجتماع، هر چه گسترده‌تر باشد، رشد و شکوفایی آن سریع‌تر خواهد بود. از تعالیم دینی این‌گونه روشن می‌شود که عزت و شکوه اجتماع مسلمانان در گرو الفت دل‌های افراد آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۷۴). در واقع در بسیاری از آداب اجتماعی و قوانین حیات جمعی که در دین اسلام وجود دارد، مهر و محبت، محور قرار گرفته است. محبت و دوستی در سایه اتحاد و اتفاق افراد در جامعه تقویت می‌شود و این موضوع خود سبب مستحکم‌تر شدن روابط بین‌فردی شده و سرمایه اجتماعی را تقویت می‌نماید.

از جمله پیوندهای افقی که در ارتقاء مؤلفه‌های ساختاری سرمایه اجتماعی مؤثر است، محور اخوت می‌باشد که میان مسلمانان ارتباط متفاوتی برقرار می‌سازد. اخوت رابطه‌ای خاص میان اعضاء جامعه اسلامی برقرار می‌سازد که از رابطه شهروندی فراتر رفته و به رابطه خانوادگی نزدیک‌تر است.

قرآن برای ایجاد همبستگی و همدلی مؤمنان از یک روش تربیتی بسیار مؤثر استفاده نموده که آن هم، بهره گرفتن از ابزار عاطفه و ایجاد احساس همدلی و یگانگی با برادر دانستن همه مسلمانان است. از نظر آموزه‌های قرآن هر کس به محض پذیرش آیین اسلام، جز خانواده اسلامی و عضوی از پیکره مؤمنان به حساب می‌آید (مرادی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۰). این پیوند بدون هیچ تشریفات و هدفی بین مؤمنان صورت می‌گیرد که مسئولیت خطیری را برای افراد به دنبال دارد. چنانچه برادران دینی همواره باید نسبت به برآوردن نیازهای یکدیگر اهتمام داشته باشند، مدارا، مواسات ... گوشه‌ای از این مسئولیت خطیر دینی است.

به تعبیر دیگر اسلام تمام مسلمان‌ها را به حکم یک خانواده می‌داند، نه تنها در لفظ بلکه در عمل و تعهدهای متقابل نیز همه مانند اعضاء یک خانواده هستند. پدران معنوی این خانواده بزرگ؛ نبی و ولی هستند که محوریت ایمان را برای همه اعضاء به ارمغان آورده‌اند. چنانچه پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ﷺ) خطاب به امیر مؤمنان فرمودند: «أنا و أنت یا علی أبوا هذه الأمة» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۳۶۳). اساس برادری بر محور دینداری، بر ایمان به خدایی است که همه انسان‌ها را از منشأ واحد آفریده و بر پایه برنامه هماهنگ، برای رسیدن به هدف واحد هدایت کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۴۵). مؤمنان به منزله فرزندان ایمان هستند و در نتیجه با یکدیگر برابر و برادرند. چنین حقیقتی که در افراد با ایمان وجود دارد، آن‌ها را به هم مرتبط می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۶).

بنابراین اخوت و برادری غیر نسبی، یکی از ویژگی‌های خاص سرمایه اجتماعی اسلامی است. در حقیقت این برادری که اسلام بدان تأکید فراوانی نموده است از مجموع شبکه‌های روابط اجتماعی، تعامل‌های سازنده و هدفمند، اعتماد عمومی و تعمیم‌یافته، اهداف مشترک گروهی و تلاش برای رسیدن به آرمان‌ها و... تشکیل می‌شود. در حقیقت اخوت در اثر روابط غیررسمی منسجم درونی اعضاء جامعه، مستحکم می‌گردد. اخوت و رابطه دینی بین اعضاء جامعه اسلامی رابطه‌ای نیست که افراد برای انگیزه‌های مادی با یکدیگر این رابطه را شکل داده باشند؛ چنانکه خداوند متعال فرموده است: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ

لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»، میان دل‌هایشان الفت انداخت، که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت، چرا که او توانای حکیم است (انفال/۶۳). در فرهنگ دینی، اخوت و اتحاد دینی امری برای پایداری جامعه معرفی شده است: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» و همگی به ريسمان خدا چنگ زنيد، و پراکنده نشويد و نعمت خدا را بر خود ياد کنيد: آنگاه که دشمنان [يکديگر] بوديد، پس ميان دل‌هاي شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شديد و بر کنار پرتگاه آتش بوديد که شما را از آن رهاييد. اين گونه، خداوند نشانه‌هاي خود را براي شما روشن مي‌کند، باشد که شما راه يابيد (آل عمران/۱۰۳). بنا بر اين مؤمنان با توجه به نقطه اشتراك خویش، که براساس تعاليم دینی و ايمان به خداست تعاملات خویش را تنظيم می‌نمایند. در اين شبکه ارتباطی افراد براساس، ملاک و معيارهاي مادی و دنيوی مانند؛ رنگ پوست، نژاد، زبان و... را نقطه مشترک ارتباطات اجتماعي خویش قرار نمی‌دهند.

اخوت اسلامي، الفت، همبستگی و تعاون را در جامعه ترویج می‌دهد و بر هر مسلمانی واجب است که همه عواملی که سبب خروج از این اصل دینی می‌شود؛ مبارزه نمایند (شاذلی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۳۴۳).

بر اساس آیه ۱۰ سوره حجرات «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ» در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید؛ نظام اجتماعی مانند خانواده‌ای به تصویر کشیده شده که اعضاء آن برادرانی هستند که در معضلات و مشکلات با پیوندی که در میان خود دارند، به خوبی بر این مشکلات غلبه می‌نمایند. از نظر علامه طباطبایی، عبارت «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» قانونی را در بین مسلمانان مؤمن تشریح می‌کند، و نسبتی را برقرار می‌سازد که قبلاً برقرار نبود، و آن نسبت برادری است که آثاری شرعی، و حقوقی قانونی نیز دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۷۱).

با نگاهی به مفاهیم قرآن کریم روشن می‌گردد که قرآن، مسلمانان را برادر دینی خود دانسته‌اند و این برادری با شیوه‌های عملی و رفتاری تقویت می‌شود. چنانکه در

آیات دیگر خداوند متعال فرموده است: «قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا» خداوند کارشکنان [و مانع شونده‌گان] شما و آن کسانی را که به برادرانشان می‌گفتند: «نزد ما بیایید» و جز اندکی روی به جنگ نمی‌آورند [خوب] می‌شناسد (احزاب/۱۸) و این برادری، همبستگی و انسجام میان افراد را تقویت می‌کند؛ «...وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» و درباره یتیمان از تو می‌پرسند، بگو: «به صلاح آنان کار کردن بهتر است، و اگر با آنان همزیستی کنید، برادران [دینی] شما هستند. و خدا تباهکار را از درستکار باز می‌شناسد.» و اگر خدا می‌خواست [در این باره] شما را به دشواری می‌انداخت. آری، خداوند توانا و حکیم است (بقره/۲۲۰) برادری در فرهنگ قرآنی، رابطه‌ای براساس تساوی و اشتراک در حقوق و تکالیف است. «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» پس اگر توبه کنند و نماز برپا دارند و زکات دهند، در این صورت برادران دینی شما می‌باشند، و ما آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به تفصیل بیان می‌کنیم (توبه/۱۱).

اخوت و برادری، مانند یک سازمان بزرگ اجتماعی عمل می‌کند. اعضاء این سازمان، رابطه نزدیکی با یکدیگر دارند و از نظر سازمانی همه در یک رده قرار دارند. در واقع هیچ سلسله‌مراتبی در سازمان اخوت وجود ندارد و هیچ‌یک برتر از دیگری نیست. به‌علاوه همه این افراد، به‌وسیله ایمان به یکدیگر متصل می‌گردند. در حقیقت اخوت، گسترده‌ترین سازمان منظمی است که در اسلام تعریف شده است. برادران ایمانی، فقط از خدا و امام فرمانبرداری می‌کنند. سرمایه اجتماعی در بین آن‌ها این‌گونه شکل می‌گیرد: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند (فتح/۲۹). به خوبی و مهربانی در زیر سایه اسلام، زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۷۹).

در روایات اسلامی نیز تأکید فراوانی بر موضوع اخوت شده است. در حدیثی از پیامبر اکرم (ﷺ) آمده است: «مسلمان برادر مسلمان است، هرگز به او ستم نمی‌کند، دست از یاریش بر نمی‌دارد، و او را در برابر حوادث تنها نمی‌گذارد» (مکارم شیرازی،

۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۷۳). در حدیث دیگری از پیامبر اکرم (ﷺ) نقل شده: «دو برادر دینی همانند دو دست هستند که هر کدام دیگری را می‌شوید»، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۷۳). مقصود از شستن دو دست این است که برادران دینی، با یکدیگر همکاری دارند و عیوب هم را از بین می‌برند.

بنابراین، اخوت و برادری به مثابه شبکه‌ای منسجم است که افراد، پیوندهای قوی خویش را براساس ارتباطی غیر از خویشاوندی پایه‌گذاری می‌کنند. شبکه قوی تشکیل شده، حمایت‌های اجتماعی را فراهم می‌نماید و قدرت سازگاری و مقابله با آشفتگی‌ها را در روابط بین فردی افزایش می‌دهد. بنابر نظر علامه طباطبایی، چنانچه در میان مسلمانان روح اخوت احیا نشود؛ وحدت و انسجام اجتماعی ایجاد نمی‌شود و آرمان‌های تحقق جامعه ایده‌آل اسلامی از بین خواهد رفت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۷۰). برادری که در فرهنگ اسلامی بنا نهاده شده، رابطه‌ای ناگسستنی است که حتی در روز قیامت که تمام نسب‌ها از بین می‌رود «فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ» [دیگر] آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد (مؤمنون/۱۰۱)؛ این پیوند و دوستی پا برجاست «إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُّتَقَبِلِينَ» برادرانه بر تخت‌هایی روبروی یکدیگر نشسته‌اند (حجر/۴۷).

۳-۲. مؤلفه‌های شناختی

در اسلام قوانین و دستوراتی وجود دارد که به بُعد شناختی، سرمایه اجتماعی می‌پردازند و موجب می‌شود که اطمینان میان اعضاء جامعه به وجود آید. در سوره حجرات مؤلفه‌های سلبی را به همگان معرفی نموده، تا در ارتباطات بین فردی از مبتلا شدن به آن‌ها خودداری نموده و به این روش بتوانند ارتباط سالمی را شکل دهند تا جامعه‌ای سالم با سرمایه اجتماعی بالا داشته باشیم.

این مؤلفه‌ها موجب می‌شود که اعتماد در جامعه اسلامی دچار خدشه شود. بنابراین اسلام با نهی از این مؤلفه‌ها، به حفظ و استمرار اعتماد در جامعه اسلامی پرداخته است. این موانع ارتباطی در حقیقت برهم زننده وحدت و اخوت بین اعضاء خواهد بود. بسیاری از این مؤلفه‌های سلبی در سوره حجرات آمده است و از این نظر می‌توان گفت سوره حجرات، سوره مؤلفه‌های اسلامی سرمایه اجتماعی است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا

يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءِ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بِنَسِ الْإِسْمِ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند، و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند]، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند، و از یکدیگر عیب مگیرید، و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان. و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند * ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی مکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید. [پس] از خدا بترسید، که خدا توبه‌پذیر مهربان است (حجرات/۱۱-۱۲).

در هر یک از دو آیه مورد بحث سه حکم اسلامی در زمینه مسائل اخلاق اجتماعی مطرح شده، احکام سه گانه آیه اول به ترتیب: عدم سخریه، ترک عیب‌جویی، تنابز به القاب و احکام آیه دوم به ترتیب: نهی از تجسس و غیبت است.

۱-۲-۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءِ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ» مخاطب این بخش از آیه، عموم مردان و زنان مؤمنان است. قرآن کریم به همه هشدار می‌دهد که از این عمل زشت دوری نمایند، چرا که سرچشمه استهزاء و سخریه همان حس خودبرتربینی، توجه بیش از حد به ارزش‌های ظاهری، کبر و غرور است.

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید: «استهزاء عبارت است از اینکه چیزی بگویی که با آن، کسی را حقیر و خوار بشماری، حال چه اینکه چنین چیزی را به زبان بگویی و یا به این منظور اشاره‌ای کنی؛ به طوری که بینندگان و شنوندگان بالطبع از آن سخن، و یا اشاره، و یا تقلید بخندند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۱). در حقیقت خداوند در این آیه شریفه از هرگونه تحقیر و فخرفروشی نهی فرموده و حفظ احترام متقابل را بر همگان لازم می‌داند تا معاشرت جامعه در پرتو تأمین کرامت، زمینه پیدایش

مدینه فاضله را فراهم نماید. حسن معاشرت هر شهروند در مدینه فاضله برابر مسئولیت اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۱۱). استهزاء و تمسخر از موانع اصلی ارتباط بین فردی است؛ چرا که احساس حقارت را به طرف مقابل ارتباط منتقل می‌کند. در چنین فضایی تنش‌های روانی، تحقیر، تمسخر و... روابط را متشنج کرده و فرد را منزوی می‌نماید. هر چقدر شبکه ارتباطی افراد در جامعه ضعیف‌تر شود؛ سرمایه اجتماعی رو به سقوط خواهد رفت.

۲-۲-۳. «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ» استفاده از تعبیر «أَنْفُسَكُمْ» در این بخش آیه از نکات قابل توجه است؛ گویا همه مؤمنان به منزله نفس واحدی هستند و اگر از دیگری عیب‌جویی کنید در واقع از خودتان عیب‌جویی نموده‌اید. لمز عبارت است از عیب‌جویی روبه‌رو فرد یا عیب‌جویی با زبان چشم و اشاره می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲۳، ص ۲۱۶). هنگامی که یکی از افراد به عیب‌جویی از برادر دینی‌اش پردازد؛ در حقیقت روحیه‌های منفی را در جامعه دامن می‌زند و احترام آن فرد در جمع دیگران از دست می‌رود.

هرگونه اختلال در آداب اجتماعی و دامن زدن به این موانع ارتباطی، همگان را به سقوط نزدیک‌تر می‌کند. پس لمز - همچون ریشخند کردن دیگران - گامی در راه تباه کردن روابط اجتماعی و ناگزیر باید از آن جلوگیری شود تا شیوع پیدا نکند (مترجمان، ۱۳۷۷، ص ۴۱۵). توجه به این موانع ارتباطی می‌تواند گامی اساسی برای تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه باشد.

۳-۲-۳. «وَلَا تَتَّبِعُوا بِالْأَلْقَابِ» برخی از افراد همواره به دنبال لقب گذاشتن بر دیگران هستند و اغلب از القاب زشت و رکیک استفاده می‌نمایند؛ تا به وسیله این لقب‌ها آنان را تحقیر نمایند. در دین مبین اسلام صراحتاً از این عمل زشت نهی شده؛ زیرا شخصیت و آبروی افراد بزرگ‌ترین سرمایه آن‌ها در تمام زندگی‌شان است و با لقب‌گذاری‌های زشت این شخصیت و سرمایه از فرد سلب خواهد شد.

در حقیقت سزاوار است که افراد با بهترین لقب‌ها و دوست‌داشتنی‌ترین نام‌ها یکدیگر را مورد خطاب قرار دهند (مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۴۱۶). به همین دلیل از پیامبر (ﷺ) روایت شده است که فرمودند: «حق مؤمن بر مؤمن دیگر آن است که وی

را به نامی که بیشتر دوست می‌دارد بخواند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۶۰).
واژه «نبز»، به معنای لقب‌های زشت است. پس نهی از تنابز، به معنای این است که مسلمانان به یکدیگر لقب زشت از قبیل فاسق، سفیه و امثال آن ندهند. همچنین، معنای «بئس الاسم»، «بئس الذکر» است، یعنی بد ذکری است؛ ذکر افرادی که ایمان آورده‌اند به فسوق، و اینکه آنان را به بدی یاد کنی، چون مؤمن بدان جهت که مؤمن است سزاوارتر است که همواره به نیکی از آن یاد شود، و به او طعنه زده نشود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۲).

۳-۲-۴. «وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ...» دو دستور دیگر اخلاقی و اجتماعی آیه ۱۲ سوره حجرات، نهی از تجسس و غیبت است.

تجسس و تحسس هر دو به معنی جستجوگری است ولی واژه اول، معمولاً در موارد نامطلوب و دومی غالباً در امر مطلوب به کار می‌رود. تجسس از ماده «جس» در لغت به معنای شناسایی کردن به صورت پنهان و ظریف است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۶). دین اسلام درصدد است تا مردم در زندگی خصوصی خود از هر نظر احساس امنیت داشته باشند. اگر هر کس به جستجوگری درباره دیگران بپردازد؛ حیثیت و آبروی افراد بر باد رفته و اعتماد میان آنان از بین خواهد رفت. در آخرین دستور که در واقع نتیجه سوءظن و تجسس است؛ می‌فرماید: «لَا يَغْتَبُ بَعْضُكُم بَعْضًا» و به این ترتیب گمان بد سرچشمه تجسس و تجسس موجب افشای عیوب و اسرار پنهانی و آگاهی بر این امور سبب غیبت می‌شود که اسلام از معلول و علت همگی نهی کرده است.

روزی پیامبر (ﷺ) با صدای بلند خطبه خواند: ای گروهی که به زبان ایمان آورده‌اید و نه با قلب! غیبت مسلمانان نکنید، و از عیوب پنهانی آن‌ها جستجو ننمایید، زیرا کسی که در امور پنهانی برادر دینی خود جستجو کند خداوند اسرار او را فاش می‌سازد، و در دل خانه‌اش رسوایش می‌کند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۱۰).

در روایات اسلامی نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای به مسئله غیبت داده و مفاهیم بسیار تکان‌دهنده‌ای در این زمینه دیده می‌شود، کمتر گناهی است که مجازات آن از نظر اسلام تا این حد سنگین باشد. زیرا غیبت با اعتبار افراد در جامعه بازی می‌کند و اعتماد میان مردن را به نحو غیر قابل جبرانی نابود می‌سازد. در واقع غیبت پیوندهای اجتماعی

را سست می‌کند و سرمایه اجتماعی را از بین می‌برد و پایه‌های تعاون و همکاری را متزلزل می‌سازد.

پرهیز از غیبت از آثار تقوایی و زمینه‌ساز بهره‌مندی از رحمت خداوند است، چنانچه امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که به منظور عیب‌جویی و آبروریزی مؤمنی، سخنی نقل کند تا او را از نظر مردم بیندازد، خداوند او را از ولایت خودش بیرون کرده، به سوی ولایت شیطان می‌فرستد، و اما شیطان هم او را نمی‌پذیرد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۳۵۸).

خداوند متعال از این جهت از غیبت نهی فرموده چرا که این رذیله اخلاقی اجزای جامعه را یکی پس از دیگری از بین می‌برد و باعث می‌شود که افراد از مواجه شدن و اطمینان به یکدیگر بهراسند. در اثر گسترش غیبت تمامی افراد جامعه از صلاحیت زندگی اجتماعی ساقط شوند، افراد جامعه با هم انس نمی‌گیرند؛ نمی‌توانند به یکدیگر اعتماد کنند. چرا که غیبت در حقیقت ابطال هویت و شخصیت اجتماعی افرادی است که خودشان از این جریان اطلاعی ندارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۵).

تمام این تأکیدات و عبارات تکان‌دهنده به دلیل اهمیت فوق‌العاده‌ای است که اسلام برای حفظ آبرو، و حیثیت اجتماعی مؤمنان قائل است، و نیز به خاطر تأثیر مخربی است که غیبت در وحدت جامعه، و اعتماد متقابل و پیوند دل‌ها دارد، و از آن بدتر اینکه غیبت عاملی است برای دامن زدن به آتش کینه و عداوت و دشمنی و نفاق و اشاعه فحشاء در سطح اجتماع، چرا که وقتی عیوب پنهانی مردم از طریق غیبت آشکار شود اهمیت و عظمت گناه از میان می‌رود و آلودگی به آن آسان می‌شود.

دستورهایی که در دو آیه فوق مطرح شده (نهی از سخریه، عیب‌جویی، القاب زشت، تجسس و غیبت) هرگاه به‌طور کامل در یک جامعه پیاده شود حیثیت و آبرو افراد جامعه را از هر نظر بیمه می‌کند، نه کسی می‌تواند زبان به عیب‌جویی این و آن بگشاید، و نه با القاب زشت حرمت و شخصیت افراد را در هم بشکنند، نه در زندگی خصوصی افراد به جستجو پردازد، و نه عیب پنهانی آن‌ها را برای دیگران فاش کند. تعبیرات آیات فوق و روایات اسلامی نشان می‌دهد که اسلام می‌خواهد در جامعه اسلامی امنیت کامل حکمفرما باشد نه تنها مردم در عمل یکدیگر ضربه نزنند، بلکه از نظر زبان و از آن بالاتر از نظر اندیشه و فکر آنان نیز در امان باشند.

مؤلفه‌های رابطه‌ای

هراندازه مؤلفه‌های ارتباطی تقویت شوند، افراد بیشتری با یکدیگر ارتباط برقرار می‌نمایند و شبکه‌های اجتماعی ارتباطات میان افراد گسترده‌تر می‌گردد. ارتقاء شبکه‌های اجتماعی که در جامعه اسلامی میان برادران ایمانی وجود دارد؛ بسیار حائز اهمیت است و تقویت آن باید در اولویت برنامه‌ریزی‌های کلان قرار گیرد. مهم‌ترین نوع این مؤلفه‌ها با توجه با آیات شریفه سوره حجرات عبارتند از اصول ذیل:

۳-۱. اصل یکپارچگی انسان‌ها و عدم برتری ملاک‌های ظاهری

وحدت انسان‌ها در جهان و برخورداری از حقوق انسانی مشترک صرف نظر از زبان، رنگ، ملیت و دین آنان مورد حمایت و تشویق اسلام است، و مانع برتری‌جویی برخی بر بعضی دیگر و نژادپرستی آن‌ها شود. در این صورت اتحاد جامعه‌ای که قرآن کریم ترسیم نموده امری ملموس و روشن خواهد بود؛ چرا که محور این نوع اتحاد، انسانیت انسان‌هاست. از دیدگاه قرآن کریم یکسانی انسان‌ها در اصل آفرینش؛ اصلی روشن است که در آیات گوناگونی خداوند متعال به آن اشاره فرموده است: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ...» و او همان کسی است که شما را از یک تن پدید آورد. پس [برای شما] قرارگاه و محل امانتی [مقرر کرد] (انعام/۹۸) «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد (اعراف/۱۸۹) «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا...» و خدا [ست که] شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای، آنگاه شما را جفت جفت گردانید، (فاطر/۱۱) «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا...» شما را از نفسی واحد آفرید، سپس جفتش را از آن قرار داد، (زمر/۶) «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشْذَكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شِيُوخًا...» و او همان کسی است که شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای، آنگاه از علقه‌ای، و بعد شما را [به صورت] کودکی برمی‌آورد، تا به کمال قوت خود برسید و تا سالمند شوید (غافر/۶۷) خداوند متعال انسان‌ها را آفریده شده از یک گوهر «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» ای مردم،

از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد (نساء/۱) و از یک پدر و مادر «بِأَبَهِهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَنُّكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت و ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است (حجرات/۱۳). می داند که تنها تقوای الهی را عامل تفاوت بین آنان معرفی نموده است. امتیاز در این آیه، امتیاز اجتماعی است؛ یعنی در جامعه انسانی، تقوا محک است و جایگاه اجتماعی مردم با همین ملاک و معیار تعیین می شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۲). علامه طباطبایی، تقوا را تنها معیار ارزشی در جهت رعایت حقوق الهی و فضیلتی مؤثر در حفظ اصول اخلاقی در جامعه مطلوب دانسته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۷۷). همچنین ایشان تقوا را ابزاری برای حرکت در صراط مستقیم الهی دانسته که مسیر هواهای شیطانی را از مؤمنان دور می نماید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۰۳).

بنابر نظر علامه طباطبایی، ملاک سعادت جامعه رعایت تقوای الهی است؛ چرا که در چنین جامعه‌ای افراد به امتیازاتی مانند؛ فخرفروشی، نژادپرستی، برتری جویی، استثمار افراد ضعیف و استعمار.... نمی‌بالند؛ بلکه در صدد گسترش فضائل اخلاقی در جامعه هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۸). پس در صورتی که ارتباطات براساس تقوا در جامعه شکل گیرد نه براساس ملاک‌های ظاهری، ارتباطات مستحکم می‌گردد؛ چرا که مکانیسم خودکنترلی یا همان نهادینه شدن ملکه اخلاقی تقوا در افراد؛ می‌تواند بهترین ضامن کنترل خواهش‌های نفسانی، کنترل امیال و سرکشی‌ها باشد. پس سرمایه اجتماعی را تقویت می‌نماید. مفهوم این آیه کریمه دارای سه بخش است که عبارتند از:

۱. همه انسان‌ها از یک زن و مرد آفریده شده‌اند، پس از این جهت امتیازی میان آحاد مردم نیست.

۲. هیچ قبیله و جامعه‌ای بر قبیله و جامعه دیگر فخر ندارد و گروه‌بندی‌هایی چون عرب، عجم، ایرانی و مانند آن، ملاک و معیار شرافت و نشانه کرامت نیست. اختلاف زبان‌ها، رنگ‌ها، اقوام، قبایل و عشایر، شناسنامه‌ای طبیعی برای معارفه است که همراه

همه هست. این تفاوت‌ها به مثابه زبانی بین‌المللی برای تفاهم یکدیگر است. ۳. بیانگر اصل نهایی یعنی ملاک برتری نزد خداست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۳۲). بنابراین آیه در صدد نفی اختلاف طبقاتی با تمامی مصادیق آن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۹). در حقیقت همبستگی میان اقوام، نژادها و ملیت‌های مختلف یک جامعه، بستر گسترش سرمایه اجتماعی را فراهم می‌سازد، ولی قوم‌گرایی و قبیله‌گرایی باعث پراکندگی و سرچشمه اختلافات بسیار است و باعث می‌شود که اعضاء جامعه به جای پیمودن راه‌های سعادت و کمال، به نزاع و کشمکش بپردازند. علامه طباطبایی معتقد است، وحدت اجتماعی در حقیقت به‌عنوان نیرو و ابزار گسترش دینداری در جامعه مطرح است؛ چنانچه جامعه بر پایه اختلاف و عقاید متفاوت بنا شده باشد؛ زورگویی و درگیری در چنین جامعه‌ای رواج خواهد یافت و سرانجام سقوط خواهد کرد. اما اگر جامعه هدف واحدی داشته باشد دچار جهالت و سقوط... نخواهد شد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۸۰). در این صورت پایه‌های اصلی سرمایه اجتماعی نابود خواهد شد و این سرمایه گرانقدر و محرک رو به زوال نموده و ارتباطات اجتماعی سست خواهد شد.

چنانچه در اسلام، همه امت اسلامی یکپارچه معرفی می‌شوند و از هر ملیت و زبانی، با یکدیگر برادر محسوب می‌گردند. بنابراین شبکه اجتماعی گسترده و در هم تنیده‌ای از مسلمان سراسر جهان به وجود می‌آید. مسلمانان در هر کجای جهان که باشند، نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند و موظفند که با یکدیگر رابطه‌ای سازنده و سالم داشته باشند.

در قرآن، از مسلمانان با واژه امت یاد شده است. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» این است امت شما که امتی یگانه است، و من پروردگار شما، پس مرا پرستید (انبیاء/۹۲) «وَأَنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُون» و در حقیقت، این امت شماست که امتی یگانه است، و من پروردگار شمایم پس، از من پروا دارید (مؤمنون/۵۲). که یکپارچگی آن‌ها را می‌رساند. در احادیث فراوانی که از پیامبر و پیشوایان بزرگ اسلام به ما رسیده به لزوم و اهمیت این موضوع با عبارات مختلفی اشاره شده است. پیامبر اکرم (ﷺ) می‌فرماید: «افراد با ایمان نسبت به یکدیگر همانند

اجزاء یک ساختمان هستند که هر جزئی از آن جزء دیگر را محکم نگاه می‌دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۳) و نیز فرمودند: «مؤمنان همچون یک روحند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۳).

در راستای همین یکپارچه‌نگری است که خداوند متعال فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ» (حجرات/۱۱) و اعضاء جامعه را مانند پیکری تصور نموده است که اعضاء آن با یکدیگر برابر هستند. انسان هر آنچه برای خود می‌پسندد باید برای دیگران نیز بپسندد و آنچه را ناپسند می‌شمارد برای دیگران نیز در نظر نگیرد. حضرت علی (علیه السلام) با استناد به همین آموزه قرآنی در عهدنامه مالک اشتر، مردم را به دو دسته همسان در آفرینش و برادر دینی تقسیم می‌کند: «إِمَّا أَخَّكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و رعایت حقوق همه آنان را در بر حاکم واجب می‌داند.

۳-۲-۳. اصل عدالت‌مداری و اصلاح‌گری اجتماعی

ایجاد فضای تفاهم و آشتی در جامعه، از وظایف مؤمنان است. چرا که در حقیقت هر اندازه در جامعه فضای تفاهم و مدارا حاکم باشد پیوند بین افراد مستحکم‌تر شده و شبکه اجتماعی قوی تشکیل خواهند داد. همچنانکه بنابر نظر جان فیلد؛ «شبکه‌های قوی می‌توانند زمینه لازم جهت حصول و حفظ شأن و عزت نفس را برای اعضاء آن گروه و شبکه فراهم سازد که این مسئله خود منجر به تعمیق پیوند آن‌ها با اجتماع گسترده‌تر می‌شود و سرمایه اجتماعی بین‌گروهی تقویت خواهد شد» (فیلد، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). در فرهنگ قرآنی خداوند متعال مؤمنان را موظف به تلاش برای برقراری آشتی بین خود و از بین بردن زمینه‌های درگیری و اختلاف دانسته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به اطاعت [خدا] درآیید، و گام‌های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است (بقره/۲۰۸). بر اساس تقابل میان صدر و ذیل آیه، اختلاف و تفرقه از راه‌های شیطان است، چون صدر آیه مؤمنان را به اتحاد و انقیاد همگانی می‌خواند و ذیل آن از پیروی راه‌های شیطان نهی می‌کند، پس تفرقه راه شیطان است،

چنانکه صلح و اتحاد مسیر انبیاست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۲۷۵).

جدای از آنکه خداوند متعال ایجاد اختلاف و تخریب اتحاد و دوستی میان مسلمانان را از دام‌های شیطان دانسته است؛ به لزوم رعایت عدالت هنگام اصلاح و رفع اختلاف میان مؤمنان نیز اشاره فرموده است چنانکه در آیه شریفه بیان شده است: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید، و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس اگر باز گشت، میان آن‌ها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید، که خدا دادگران را دوست می‌دارد (حجرات/۹). خداوند حکیم می‌فرماید که اگر دو گروه از مؤمنان، بر اثر برداشت‌های گوناگون یا تشخیص باطل، با هم به مبارزه برخاستند، نخست باید از راه موعظه و نصیحت بین آنان را اصلاح کنید و اگر اصلاح نشدند و گروهی بر گروه دیگر ستم روا داشتند، باید طایفه و گروه یاغی و ستمگر را با مبارزه سرکوب کنند تا به قانون الهی تن دهند؛ اگر آنان تابع قانون خدا شدند، با عدل میانشان اصلاح کنید و عادل باشید نه صرفاً مصلح، چون صلح و سازش در اینجا محمود و ممدوح نیست؛ چرا که باید حق ستمدیده را از ستمگر بگیرید و به او بدهید؛ نه آنکه ستمدیده را وادار کنید که از حقش بگذرد، زیرا این کار، گرچه صلح و مصلحت ظاهری ایجاد می‌کند، از عدل و عدالت واقعی فاصله دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۲۸۲).

اصل مهم اجتماعی این است که انسان‌ها با صلح و دوستی در کنار هم زندگی کنند و اگر ناخواسته جنگ و درگیری رخ داد، هرگاه شرایط برای بازگشت به صلح فراهم شد، باید فرصت را مغتنم شمرد و به خصومت و جنگ خاتمه داد. صلح نه تنها در سطح کلان بلکه که در سطوح پایین‌تر نیز یک اصل بنیادین برای رسیدن به وفاق و همدلی است (مرادی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۸). بنابراین عدالت ایجاد می‌کند که در برابر هر ظلمی، بتوان مقابله به مثل نمود. این برنامه مثبت و سازنده به ظالمان هشدار می‌دهد که مظلومان تنها نیستند و مؤمنان یاری‌دهنده آنان خواهند بود.

همچنین مؤمنان برای آشتی بین خود با از بین بردن زمینه‌های درگیری و اختلاف، مسئول هستند: «... وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» و با یکدیگر سازش نمایید، و اگر ایمان دارید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید (انفال/۱). آموزه‌های دین اسلام در چارچوب تعلیم و تربیت اسلامی خویش تلاش کرده است تا صلح‌جویی و اصلاح‌طلبی را در وجود مردم پرورش دهد. آشتی به معنای ایجاد ارتباط، سازش و پیوند میان افراد است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۶۵).

این هنجار از نظر اسلام به این معناست که «هر آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند و آنچه برای خود نمی‌پسندی، در مورد دیگران هم نپسند» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۵۲۱۳). این معنای عدالت که بیان شد، برداشتی کاملاً مطابق با مبانی سرمایه اجتماعی است. بر این اساس، انسان باید در مقابل رفتار اعتمادآفرین دیگران، حتماً واکنش مثبت نشان دهد. بنابراین تعامل مثبت میان اعضاء ترویج می‌گردد. این هنجار می‌تواند در برابر دوست و دشمن مورد استفاده قرار گیرد و کاملاً عقلانی می‌باشد و از نظر همه مکاتب و تفکرها قابل پذیرش است.

هدف اصلی ارتباطات اجتماعی، آگاهی‌بخشی، ایجاد نگرش‌های مثبت، کاهش هزینه‌های ارتباطی، از بین بردن نزاع و اختلاف بین افراد، وسعت بخشیدن به مسائل مورد توافق افراد و گسترش آن‌ها و... است. لذا ایجاد ارتباط و تداوم ارتباطات صحیح بین فردی، اهمیت بسزایی در تداوم سلامت روانی افراد، هویت‌یابی اشخاص، بهبود کیفیت زندگی، و شکوفایی نیروها و... دارد (کریمی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴). بنابراین اگر افراد از مهارت‌های ارتباطی مناسبی برخوردار نباشند در زندگی آسیب‌پذیر خواهند بود و نه تنها سرمایه اجتماعی نمود نخواهد یافت؛ بلکه این سرمایه ارزشمند روبه زوال رفته و دچار نقص خواهد شد.

خداوند متعال در این آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری (نحل/۹۰) اقامه قسط از مهم‌ترین اهداف جامعه اسلامی و دستورات معرفی نموده است و از آنجا که انسان از نگاه دین مبین اسلام، موجودی دارای قوه تعقل و اختیار است که در راستای مشیت خداوند قادر به تغییر سرنوشت خویش و تأثیر بر دیگران است. پس اصلاح‌گری، مدارا و عدالت‌مداری راهی دینی - عقلایی است

تا سرمایه اجتماعی در بین اعضاء جامعه جریان پیدا کند و بتواند به سایر اعضاء کمک کند. در حقیقت اصلاح‌گری و مدارا جریانی جهت‌دار و ملایم است که برقراری عدالت در جامعه، صلح و نبودن فضای اختلاف بین افراد ... از والاترین اهداف آن است.

۳-۳-۳. اصل اعتماد آفرینی و حسن ظن عمومی در جامعه

دوری از حسن ظن و داشتن روحیه خوش‌گمانی یکی از صفات شایسته اخلاقی است که در آموزه‌های دین اسلام به آن تأکید شده است. خوش‌گمانی امری درونی و قلبی است که آثار بیرونی آن در رفتار با مردم مشخص می‌شود. اصل اساسی در تعامل اجتماعی انسان‌ها، بر حسن ظن استوار است که به نوبه خود دارای ثمرات و ره‌آوردهایی از قبیل «حسن نیت»، «آسان‌گیری»، «رهایی از گناه»، «سلامتی دین»، «آرامش دل»، «گره‌گشایی از زندگی مردم»، «کام‌روایی»، «کاهش اندوه»، «جلب محبت» و «بهره‌مندی از بهشت جاویدان» می‌باشد (ایروانی و همکاران، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۹۴-۲۹۵).

خداوند متعال در آیات گوناگونی اعضاء جامعه اسلامی را موظف به رعایت حسن ظن با یکدیگر نموده است چنانچه در زمینه تهمت و افترا زدن، مردان و زنان مؤمن را تویخ نموده که مبدا مؤمنی را مورد افترا قرار دهند در صورتی که علم قطعی در خصوص صحت آن موضوع ندارند؛ «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» چرا هنگامی که آن [بهتان] را شنیدید، مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند و نگفتند: «این بهتانی آشکار است» (نور / ۱۲) چرا که همه اهل ایمان همچون شخص واحدی هستند و برای هر کسی که متصف به ایمان است باید حسن ظن داشت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۳۰) زیرا، شایعات و پخش خبرهای دروغ، مخرب اعتماد متقابل و حسن ظن افراد نسبت به یکدیگر است (نور / ۱۱).

از سوی دیگر توصیه خداوند به مسلمانان، اجتناب از سوءظن به یکدیگر است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ... وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات/۱۲). مقصود از گمان‌ها در این بخش از آیه شریفه، گمان‌های بد است که نسبت به گمان‌های خوب، بیشتر اتفاق می‌افتد و به این دلیل از آن به کثیر یاد شده و گرنه گمان‌های نیک و خیر نه تنها ممنوع نیست، بلکه خوب و پسندیده است. همچنین

مقصود از نهی از گمان‌های بد، نهی از ترتیب اثر دادن به آن ظن و گمان است، یعنی هرگاه گمان بدی نسبت به مسلمانی در ذهن شما پیدا شد، در عمل کوچک‌ترین اعتنایی به آن نکنید. بنابراین آنچه گناه است ترتیب اثر دادن به سوطن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۳). لذا در حدیث از پیامبر اکرم (ﷺ) آمده است که فرمودند: سه چیز است که وجود آن در مؤمن پسندیده نیست، و راه فرار و خلاصی دارد، از جمله سوطن؛ که راه فرار از آن این است که بدان عمل نشود (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۲۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۲۰۱).

همچنین امیرمؤمنان (علیه السلام) راجع به حسن ظن می‌فرماید: «مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِالنَّاسِ حَازَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ» کسی که گمانش به مردم نیکو باشد، دوستی و محبت آن‌ها را دریافت کند (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۳۵). حسن ظن و خوش‌گمانی در مورد افراد جامعه موجب برقراری ارتباط و پیوندی دوستانه با مردم خواهد شد. همچنین حسن ظن سبب جذب مخاطب و ایجاد روابط صمیمی بین افراد خواهد شد. چنین امری به تقویت سرمایه اجتماعی به‌ویژه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی منجر خواهد شد.

بنابراین انسان می‌تواند با تفکر مثبت و تمرکز بر مسائل مختلف، گمان بد را در بسیاری از موارد از خود دور سازد، به این ترتیب که احتمالات صحیحی را که در مورد آن عمل وجود دارد در ذهن خود مجسم سازد و تدریجاً بر گمان بد غلبه کند. لذا در روایات دستور داده شده که اعمال برادرت را بر نیکوترین وجه ممکن حمل کن، تا دلیلی بر خلاف آن روشن شود، و هرگز نسبت به سخنی که از برادر مسلمانان صادر شده گمان بد مبر، مادام که می‌توانی آن را بر معنای نیک و پسندیده‌ای حمل کنی. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این خصوص می‌فرماید: «صَنَعَ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَلَا تَطْلُنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا» اعمال برادر دینی‌ات را بر نیکوترین وجهی تفسیر و توجیه کن، مگر اینکه دلیلی بر خلاف آن داشته باشی و هرگز نسبت به سخنی که از برادر مسلمانان صادر شده گمان بد مبر تا هنگامی که می‌توانی برای آن توجیهی مناسب و راه صحیح داشته باشی (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۹۴).

گمان بد نه تنها به طرف مقابل و حیثیت او لطمه وارد می‌کند، بلکه برای صاحب آن

نیز بلائی بزرگ است زیرا باعث می‌شود که او را از همکاری با مردم و تعاون اجتماعی بر کنار کند. بنابراین بدگمانی، سرمایه اجتماعی را هم از سوی فرد دارای سوءظن و هم از سوی افرادی که مورد سوءظن قرار گرفته‌اند، نابود می‌سازد؛ چرا که سوءظن پیوندهای تعاون و پایه‌های این اعتماد را از بین می‌برد. در نتیجه روح اجتماعی را تضعیف می‌کند. زیرا نبود اعتماد تأثیر مستقیمی بر روحیه تعاون و همکاری بین افراد دارد و از بین رفتن تعاون، جامعه را از رونق و بالندگی ساقط خواهد نمود.

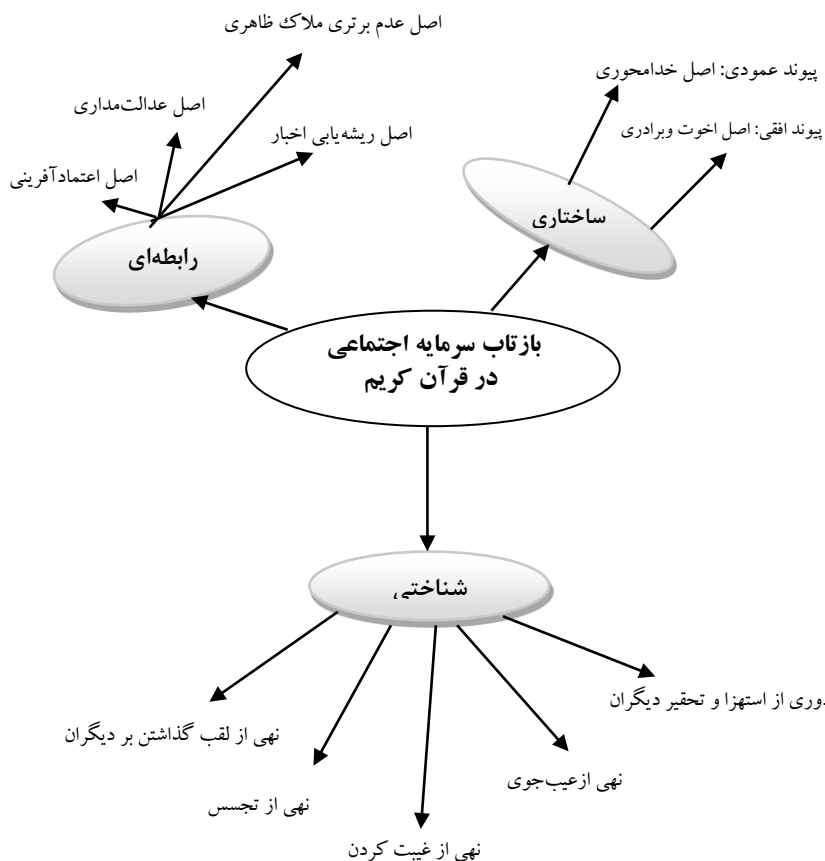
۳-۳-۴. اصل تحلیل و ریشه‌یابی صحت اخبار

از جمله مهم‌ترین مسائل و مفاهیم اجتماعی اسلامی و موضوعات مطرح شده در سوره حجرات که بسیار مورد بحث قرار گرفته است، توجه به صحت پیام و اخباری است که به افراد منتقل می‌شود. این موضوع بدان معناست که با آنکه تمام افراد جامعه مانند پیکری منسجم با یکدیگر در حال فعالیت هستند و تمامی افراد فارغ از نژاد و رنگ پوست و... در یک مرتبه قرار دارند و تنها مؤلفه‌ای که باعث تفاوت در بین انسان‌ها می‌شود و ملاک برتری بین آنان معرفی شده، تقوا است؛ اما این مسئله بدین معنی نیست که هر خبر و موضوعی صحیح و قابل اعتنا باشد.

لذا خداوند متعال در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيْهِ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واریسی کنید، مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید (حجرات/۶). به صورت صریح بیان می‌دارد که هرگاه خبر و پیامی به شما رسید؛ ابتدا از صحت آن خبر و صدق گفتار گوینده آن اطمینان حاصل کنید و سپس بدان عمل نمایید. چنانچه علامه طباطبایی بیان داشته است: «واژه «فاسق» به طوری که گفته‌اند به معنای کسی است که از طاعت خارج و به معصیت گرایش کند. و کلمه «نبا» به معنای خبر مهم و عظیم است. در حقیقت خدای سبحان در این آیه، اصل عمل به خبر را که اصلی است عقلایی تأیید کرده، چون اساس زندگی اجتماعی بشر به همین است که وقتی خبری را می‌شنوند به آن عمل کنند، چیزی که هست در خصوص خبر اشخاص فاسق دستور فرموده تحقیق کنید، و این در حقیقت نهی از

عمل به خبر فاسق است. عقلاً هم رفتارشان همین است که خبر اشخاص فاسق را حجت نمی‌دانند، و به خبر کسی عمل می‌کنند که مورد وثوق و تأیید باشند. مقصود از اعتماد به خبر به این معنا است که عملاً ترتیب اثر به آن بدهیم» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۶۳-۴۶۴).

بنابراین تبیین خبر، به معنای آن است که موضوع پیام به صورت شفاف بیان گردد و ابعاد و عناصر دخیل در آن خبر که خود سیستم ارتباطی را شکل می‌دهد؛ به دقت بررسی شود. در این مدل ارتباطی که قرآن کریم معرفی نموده است از یک‌سو، تحلیل پیام، صدق و کذب آن و از سوی دیگر شخصیت و هویت گوینده خبر، بسیار مهم است. بنابراین با آنکه در جامعه اسلامی تقویت و برقراری سرمایه اجتماعی اهمیت دارد اما توجه به صحت و سقم اخبار و صداقت و نیت درونی افراد نیز حائز اهمیت است. سرمایه اجتماعی و اعتماد تعمیم یافته بین احاد افراد جامعه اسلامی بدان معنا نیست که هر فردی با هر نیتی، مورد پذیرش جامعه و اخبار و پیام‌های وی مورد عمل قرار گیرد. بنابراین جامعه اسلامی با توجه به اصولی مانند؛ حسن ظن، اخوت و... مؤمنان را تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی دانسته، اما نسبت به فاسقان، دروغ‌گویان، منافقان و... تذکر داده و راهکارهای مقابله با آنان را بیان نموده تا نتوانند لطمه‌ای به جامعه اسلامی و پیوندهای مستحکم مؤمنان وارد سازند.



نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، به دست می‌آید که شناخت و عمل به فضایل اخلاقی و پرهیز از رذایل اخلاقی، موجب اعتماد و منجر به تقویت سرمایه اجتماعی می‌گردد. انجام دادن و ترک هر کدام از موارد گفته شده می‌تواند به تقویت پایه‌های روابط سالم، انسجام اجتماعی و همبستگی بین افراد و گروه‌ها در جامعه و در نهایت به پیدایش و تقویت سرمایه اجتماعی منجر می‌گردد. مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی دین اسلام، عنایت و توجه خاصی به دستورهای اخلاقی به‌عنوان برنامه زندگی و تحکیم پیوند اعضای جامعه اسلامی دارد. فراتر از این امر، رابطه‌ای را که دین اسلام در ارتباط مؤمنان با یکدیگر ترسیم کرده است، همدلانه و خیرخواهانه است که ناشی از پیوند مشترک آنان با پروردگارشان و

پیوند نزدیک آنان با یکدیگر می‌باشد که به شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی به‌ویژه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی منجر می‌شود. بنابراین ضروری است با تقویت فضایل اخلاقی و تضعیف رذایل اخلاقی درصدد تثبیت و تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی جامعه اسلامی در وهله نخست و سپس تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه انسانی باشیم.

سوره حجرات، به‌طور جامع به بحث موانع ارتباطی از قبیل: تمسخر، عیب‌جویی، توهین، لقب زشت گذاشتن بر دیگران، تجسس در امور شخصی مسلمانان، تهمت و غیبت می‌پردازد. این مؤلفه‌ها سبب بروز کینه، خشم و نفرت بین افراد، تحقیر ... می‌شود و خداوند متعال در این آیات شریفه تذکر داده است تا مؤمنان و اعضاء جامعه اسلامی همواره در تعاملات خود مراقب باشند که دچار این عوامل مختل‌کننده ارتباط نشوند. از سوی دیگر این سوره دربردارنده موضوعات اخلاقی و اجتماعی کلانی مانند: تقوا (خویش‌داری / خودکنترلی)، مسئول بودن افراد در مقابل یکدیگر، توجه به حقوق برادری در روابط بین‌فردی حتی در نزاع‌ها و اختلاف‌ها است و این سوره دربردارنده مهارت‌های ارتباطی است. تمامی مؤلفه‌های که در این سوره آمده است، گوشه‌ای از اعجاز قرآن کریم و توجه همه‌جانبه خداوند نسبت به نیازهای بشر است. توجه به مؤلفه‌های سه‌گانه رابطه‌ای، شناختی و ساختاری، می‌تواند تسهیل‌کننده روابط اجتماعی و انسجام‌بخش پیوند میان افراد باشد که خود تقویت سرمایه اجتماعی را بدنبال خواهد داشت.

منابع

- قرآن کریم ترجمه فولادوند
نهج البلاغه
الوانی، مهدی و ناطق تهمینه و فراحی، محمدمهدی (۱۳۸۶)، «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه مدیریت دانش سازمانی»، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال دوم، شماره ۵.
- الوانی، مهدی و سید نقوی (۱۳۸۲) «سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳-۳۴.
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۳)، درآمدی بر نظریه فرهنگی، حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ایروانی، جواد؛ وطن دوست، رضا؛ جلاتیان، علی، علیزاده، میرزا (۱۳۹۲) فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ پنجم.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- جعفری، ناهید؛ ناخدا، مریم؛ فدایی، غلامرضا (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی میزان سرمایه اجتماعی در کتابخانه‌های دانشگاهی»، مقایسه کتابخانه‌های دانشگاه تهران با دانشگاه شریف، تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، شماره ۷۲.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶) دائرةالمعارف قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن و قم: بوستان کتاب، چاپ سوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، سرچشمه اندیشه، قم: نشر اسراء، چاپ پنجم، جلد ۱ و جلد ۴.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، مراحل اخلاق در قرآن، قم: نشر اسراء، چاپ هفتم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸) اسلام و روابط بین‌الملل، قم: نشر اسراء، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، انتظار بشر از دین، قم: نشر اسراء، چاپ ششم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء، چاپ سوم، جلد ۱۰.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹) جامعه در قرآن، قم، نشر اسراء، چاپ سوم.
- حاجی کرمی، عباسعلی و فرجیان، مرجان (۱۳۸۷)، «مدیریت سرمایه انسانی، اجتماعی و عاطفی با رویکرد اثربخشی در موفقیت شغلی»، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۱.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: موسسه آل البیت (علیهم‌السلام)، چاپ اول.
- حمیدی‌زاده، علی و شهیدزاده، فریبا؛ موحدی فر، عرفان (۱۳۹۳) «بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر نوآوری سازمانی (مخابرات شهرستان قم)»، مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره اول، شماره دوم.
- خسروانی، علی‌رضا (۱۳۹۰)، تفسیر خسروی، انتشارات اسلامیه، تهران: چاپ اول.

- دورکیم، امیل (۱۳۸۱)، تقسیم کار اجتماعی، مترجم: باقر پرهام، تهران: مرکز.
- راغب اصفهانی حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم، الدار الشامیه، بیروت: چاپ اول.
- سوینج وود، آلن (۱۳۸۰)، تحلیل فرهنگی و نظریه سیستم‌ها؛ مفهوم فرهنگ مشترک: از دورکیم تا پارسونز، ترجمه رضایی، محمد، ارغنون، شماره ۱۸.
- شاذلی، سیدبن قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
- شاه‌آبادی، محمد علی (۱۳۶۰)، شذرات المعارف، تهران: نشر نهضت زنان مسلمان.
- طباطبایی سید محمدحسین (۱۳۷۴) المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه، سید محمد باقر موسوی همدانی دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: چاپ پنجم.
- طبرسی فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: چاپ سوم.
- عباس زاده، محمد، مقتدایی، لیلیا (۱۳۸۸)، «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر دانش‌آفرینی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۱.
- فخرالدین رازی ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، چاپ اول، ج ۱۰.
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه: غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: انتشارات کویر.
- فیض، داود؛ بنددار، امیررضا، «طراحی و ارائه مدل مفهومی توسعه یادگیری سازمانی با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی» همایش ملی سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، دانشگاه سمنان، ۱۳۸۸.
- قدسی، علی محمد؛ مردان پور شهرکردی، الهام (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و نشانه‌های اختلال شخصیت‌نمایشی در دانش‌آموزان»، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، شماره ۲.
- کریمی، مرضیه (۱۳۸۸)، بررسی اصول و روش‌های مهارت‌های ارتباطی بر مبنای سنت معصومان (علیهم‌السلام)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، کافی، قم: دار الحدیث، چاپ اول.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحدیث، چاپ اول.
- مترجمان (۱۳۷۷) تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: جامعه‌شناسان.

خوانش قرآنی از سرمایه اجتماعی با تأکید بر سوره حجرات ۱۰۱

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷)، میزان الحکمه، قم: دارالحديث.
مرادی، محمد (۱۳۸۰)، قرآن، انسان، وفاق، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

مراغی احمد بن مصطفی (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول.
نعمتی، سکینه (۱۳۸۵)، فلسفه پوزیتویسم و قانون سه مرحله‌ای آگوست کنت در بوطه نقد، روزنامه رسالت، شماره ۵۹۳۸، تاریخ ۸۵/۵/۲۴.

Nahapiet, J and Ghoshal, S 1998, 'Social Capital, Intellectual Capital and Management' Review, vol. 23